

که ز بی غم و غم غم خراسان کنی
 که در سوادان کند چهره گردون درم
 از بگویم برشان خاک زنده بوش خون
 عطسه سوزن دهر بین شران رشتم
 در که میران غم در کشی نیم روز
 چون در افرا سیاه نیم شبان بستم
 کرد تشابور و پنج در زکمت را میخول
 بر در و جری با بکت را حنیفم
 شیه دلا ز با چه حسد که بر قان چاه لرز
 سگ بگو از اسو ماه که دوق و کله بزم
 تیغ نوت کین ظلم نذ کین آب خورد
 نیزه طغزای فرست پیش طغان مغتم
 طرف رکاب چکان روح این محتمد
 بنده غایت چکانی حبیل منبر معتم
 ای نسر بر زده کشید بایل حقیر
 وی نسر بردت پاسخ بایل لغیر
 چتر تو رشید فرستخ تو مرغی فصل
 علم تو بریس حکم حکم تو کجوان شیم
 سسم تو نظران کند نطقه شایان طل
 شیخ تو زینق کند زهره شمشیر شیم
 که بزین افندی بند ساری تو
 توس فرخ سازی طغان بل و درم
 گفته بیت نوش لب باب تو نوش نوش
 برده می همچو رنگ از دل تو رنگ هم سرست
 نوبه زنده کیشاد میده نعت از خوشتر
 صلیق تو کسیر عدل نطق تو نسر غفل
 نیزه دهنن غاشد کیش ستم
 صبح تو توحید محض خصم تو غم غم
 مازان

که در سوادان کند چهره گردون درم
 عطسه سوزن دهر بین شران رشتم
 چون در افرا سیاه نیم شبان بستم
 بر در و جری با بکت را حنیفم
 سگ بگو از اسو ماه که دوق و کله بزم
 نیزه طغزای فرست پیش طغان مغتم
 بنده غایت چکانی حبیل منبر معتم
 وی نسر بردت پاسخ بایل لغیر
 علم تو بریس حکم حکم تو کجوان شیم
 شیخ تو زینق کند زهره شمشیر شیم
 توس فرخ سازی طغان بل و درم
 برده می همچو رنگ از دل تو رنگ هم سرست
 نیزه دهنن غاشد کیش ستم
 صبح تو توحید محض خصم تو غم غم

ره روم مقصد امکان بخراسان بایم
 نشسته ام شرب اسنان بخراسان بایم
 که در راه روم نیت موافق ترانگ
 کشتی نیت استوان بخراسان بایم
 دل کنم بخر سوزان و بگر عود سیاه
 دم آن بخر سوزان بخراسان بایم
 بر کم شمع و فادرا بخراسان طلبم
 کان کلید در ضوان بخراسان بایم
 لوح چهل صبح کسی سال زبر که دم رفت
 بهر صل صبح و بتان بخراسان بایم
 در جهان بوی وفا نیت و کربت ایچت
 کین کل از خار نینلان بخراسان بایم
 معرفت مردان که منم هر شتم ایشان یوفا
 سا کانا که چو دریا هم سرستانند
 از سر زانو کشتی و زردمان لشکر
 نیز مردان که طمان که سر زانو دارند
 ز سر زانو که بوند که کوش هم در ا
 ز آتش سینه مردان که ز دل آب جویزند
 هم دل کو از زرده صلی وار چو شمع
 صبد کشان بر دانه بخراسان بایم
 طوقه جو سر جولان بخراسان بایم
 جگر آتش بریان بخراسان بایم
 ز نیش کوش چو پیمان بخراسان بایم